

مطوبیت کثرت نفوس و باروری در عهد عتیق (تورات) و مقایسه آن با عهد جدید (انجیل)

رضا کیانی^۱

چکیده

کثرت نفوس و باروری از مفاهیم مهم و اساسی جمعیت‌شناسی است که در نزد ادیان و فرق مختلف همواره مورد توجه بوده است چرا که به بقا و دوام آنها بستگی دارد. در آئین‌های یهودیت و مسیحیت نیز این دو مفهوم جمعیتی مد نظر بوده و کتب آسمانی این دو دین، احکام و آیات فراوانی در خصوص افزایش جمعیت و باروری ذکر نموده‌اند. در این پژوهش با مراجعه مستقیم و بدون واسطه به متن عهد عتیق و عهد جدید، ابتدا احکام مندرج در این دو کتاب را درباره مسایل کثرت نفوس و باروری، استخراج نموده و سپس از طریق مقابله و مقایسه، وجوه اشتراک و وجوه افتراقی را که بین احکام مندرج در عهد عتیق و عهد جدید مشاهده می‌شود، ارائه و تحلیل نمائیم. برای حصول به اهداف این بررسی، از روش تحقیق اسنادی (کتابخانه‌ای) استفاده شده است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که این دو کتاب به عنوان منشأ و اساس دو دین یهودیت و مسیحیت از نظر مفاهیم جمعیتی همچون افزایش جمعیت و باروری از غنای بسیار برخوردار بوده و در اندیشه و رفتارهای جمعیتی پیروان این آئین‌ها نقش و تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشته است.

واژگان کلیدی

کثرت نفوس، باروری، عهد عتیق (تورات)، عهد جدید (انجیل).

بیان مسأله

تردیدی نیست که دو کتاب عهد عتیق و عهد جدید که از کتب مقدس و کهن دینی به حساب می آیند نقش تعیین کننده ای در شکل گیری فرهنگ و تمدن مغرب زمین داشته اند. چرا که این کتابها سرچشمه و منبع اصلی احکام دو دین یهود و مسیحیت در زمینه های مختلف - از جمله مسائل جمعیت شناسی - به شمار می روند. یافته های پژوهش حاضر حاکی از آن است در این دو کتاب مفاهیم جمعیتی از قبیل کثرت جمعیت و باروری - که از مفاهیم مهم و اساسی جمعیت شناسی به حساب می آیند - نمود فراوان داشته و در ارتباط با آنها احکام بسیاری ذکر شده است .

اهمیت تحقیق

با توجه به اینکه موضوع افزایش جمعیت و باروری در جمعیت شناسی اهمیت بسیار دارد، بررسی نظر کتب ادیان یهود و مسیحیت و مقایسه آنها با یکدیگر حائز اهمیت فراوان می باشد .

اهداف تحقیق

هدف از مطالعه حاضر بررسی دیدگاه دو کتاب عهد عتیق و عهد جدید درباره اصل افزایش جمعیت و باروری است. همچنین این پژوهش در نظر دارد به مقایسه نظر این دو کتاب درباره مفهوم افزایش جمعیت و باروری پردازد .

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش اسنادی (کتابخانه ای) است .

مقدمه

باید به این نکته توجه نمود که مفهوم افزایش جمعیت و باروری - که امروزه در مطالعات جمعیتی واجد اهمیت فراوان است - در گذشته نیز مورد توجه بوده است . این نکته به روشنی در دو کتاب عهد عتیق و عهد جدید نمایان است. در این دو کتاب که از لحاظ دینی و تاریخی مهم ارزیابی می شود آیات و فرامین بسیاری در خصوص افزایش جمعیت و باروری ذکر شده که در تحقیق حاضر به بررسی آن خواهیم پرداخت :

مطلوبیت کثرت نفوس و افزایش جمعیت

طرفداران ادیان و اندیشه های مختلف، همواره در تلاش بوده اند افراد بیشتری را با خود هم داستان کنند چرا که جمعیت بیشتر می تواند در رشد و بقا اندیشه مؤثر واقع گردد. در آغاز شکل گیری آیین یهود و آیین مسیحیت نیز عنصر جمعیت بسیار تأثیر گذار و مورد توجه بوده است . این موضوع و اهمیت آن در کتاب مقدس، نمود فراوان داشته که در موارد زیر می توان بدان اشاره و استناد نمود :

افزایش جمعیت در عهد عتیق

همانطور که اشاره گردید « اکثر ادیان (خاص ادیان الهی) طرفدار افزایش نفوس بوده، ازدیاد نسل و تکثیر اولاد را تشویق و جلوگیری از آن را غالباً نهی کرده اند. اعتقاد به بی حد و حصر بودن مواهب و نعم الهی و احترام به مخلوق پروردگار، مبدأ و منشأ این نظر و تمایل به شمار رفته است. قدیم ترین نوشته در این زمینه در عهد عتیق (تورات) آمده است. » (کتابی، ۱۳۷۷، ص ۳۲). در این کتاب با رویکردی مساعد و مثبت نسبت به افزایش جمعیت یهودیان روبرو هستیم.

به گونه ای که خداوند بارها به بندگان برگزیده خود دستور می دهد تا زیاد شوند و فرزندان زیاد تولید کنند .

« خدا، نوح و پسرانش را برکت داد و به ایشان فرمود: بارور و زیاد شوید و زمین را پر سازید.» پیدایش، ۹: ۱

و نیز:

« و اما شما [نوح] فرزندان زیاد تولید کنید و زمین را پر سازید.» پیدایش، ۹: ۷

توصیه خداوند به کثرت نفوس به حضرت نوح خلاصه نمی شود بلکه او در سراسر کتاب تورات از دیگر پیامبران و برگزیدگان خود می خواهد تا بر تعداد قوم شان بیفزایند. در کتاب پیدایش می خوانیم خداوند بر یعقوب ظاهر می شود و از او می خواهد بارور و زیاد شوند:

«پس از آنکه یعقوب از بین النهرین وارد بیت ئیل شد، خدا بار دیگر بر وی ظاهر شد و او را برکت داد. به او فرمود: بعد از این دیگر نام تو یعقوب خوانده نشود، بلکه نام تو اسرائیل خواهد بود.^۱ من هستم خدای قادر مطلق. بارور و زیاد شو. ملل زیاد و پادشاهان بسیار از نسل تو پدید خواهند آمد. سرزمینی را که به ابراهیم و اسحاق دادم، به تو و به نسل تو خواهم داد. سپس خدا از نزد او به آسمان صعود کرد.» پیدایش، ۳۵: ۹ - ۱۵

ازدیاد نسل و افزایش فرزندان، از آن انسانهای نیکو کار است و این پاداشی است که خداوند برای آنان در نظر گرفته است. در مقابل، انسانهای گناهکار، بدون نسل و فرزند هستند و بعد از مرگ نامی از آنها نخواهد بود.

در عهد عتیق نیز بارها، افزایش فرزند و ازدیاد نسل به عنوان پاداش خداوند، به بندگان خاص خود ذکر شده که این مزیت باعث اهمیت و اعتبار آنان و قوم شان نسبت به دیگران می شده است:

«ابرام به خاک افتاد و خدا به وی گفت:

من با تو عهد می بندم که قوم های بسیار از

تو به وجود آورم. از این پس نام تو ابرام

نخواهد بود بلکه ابراهیم؛ زیرا من تو را

پدر قوم های بسیار می سازم. نسل تو را

زیاد می کنم و از آنها ملت ها و پادشاهان

به وجود می آورم.» پیدایش، ۱۷: ۳ - ۶

می دانیم که ابراهیم از نعمت داشتن فرزند محروم بود اما خداوند نه تنها به او فرزندی بخشید بلکه نام پیامبر برگزیده خود را از ابرام به معنی « پدر سرافراز » به ابراهیم یعنی « پدر قوم ها » برگرداند تا نشان دهد اخلاص و پاکدامنی از سوی بندگان بدون پاسخ نمی ماند.

«فرمود: من خدای قادر مطلق هستم. از من

اطاعت کن و آنچه راست است به جا آور.

با تو عهد می بندم که نسل تو را زیاد کنم.»

پیدایش، ۱۷: ۱ - ۲

و نیز:

«خداوند به ابرام فرمود: با دقت به

اطراف خود نگاه کن. تمام این سرزمین

را که می بینی، تا ابد به تو و نسل تو

می بخشم. نسل تو را مانند غبار زمین بی
شمار می گردانم. برخیز و در سراسر این
سرزمین که آن را به تو می بخشم، بگرد.
پیدایش، ۱۳ : ۱۵ - ۱۷

در جای دیگر می خوانیم خداوند افزایش نسل ابراهیم را با ستارگان بی شمار
آسمان مقایسه می کند:

«خداوند» فرمود: ستارگان آسمان را بنگرو
بین آیا می توانی آنها را بشماری؟ نسل تو
نیز چنین بی شمار خواهد بود. پیدایش، ۱۵
: ۵

و نیز :

« تو را چنان برکت دهم که نسل تو مانند
ستارگان آسمان و شنهای دریا بی شمار
گردند.» پیدایش، ۲۲ : ۱۷

خداوند این پاداش را به پیامبران دیگر نیز ارزانی داشته و به آنها نوید داده است
نسلشان را برکت داده و تعدادشان را زیاد کند. به طور مثال در سفر پیدایش از
ازدیاد نسل اسحاق سخن به میان آمده :

«نسل تو [اسحاق] را چون ستارگان
آسمان بی شمار خواهیم گردانید و تمامی
این سرزمین را به آنها خواهیم داد و همه
ملل جهان از نسل تو برکت خواهند
یافت.» پیدایش، ۲۶ : ۴

اگرچه خداوند به پیامبران خود مژده افزایش نسل و قوم آنها را می دهد
و این افزایش، پاداشی جهت اعمال نیک آنها خواهد بود اما در مواردی

افزایش جمعیت در کنار افزایش گناه نیز آورده شده است، که در نهایت موجب ناخرسندی خداوند از قوم برگزیده خود گردیده است.

«قوم من هر چه زیادت‌تر شدند، بیشتر به من گناه کردند. آنها شکوه و جلال مرا با ننگ و رسوایی بتها عوض کردند.» هوشع ، ۲: ۴

افزایش جمعیت در عهد جدید

بر خلاف آنچه در تورات آمده، در انجیل فرمان خداوند مبنی بر ازدیاد نفوس و افزایش جمعیت به چشم نمی خورد. علت این موضوع شاید به زندگی حضرت مسیح که عهد جدید بر پایه زندگی و فرامین او استوار است، برگردد. می دانیم که عیسی هیچگاه ازدواج نکرد و به فکر تشکیل خانواده و تولید نسل و فرزند نبود. با وجود این، عامل مهمی که در عهد جدید از آن می توان یاد نمود که به طور مستقیم بر روند کثرت نفوس نیز تأثیرگذار است عامل طول عمر و افزایش سن است. در انجیل این مفهوم مورد توجه بوده و از آن به عنوان پاداش خداوند به بندگان نیکوکار یاد شده است. در مقابل انسانهای گناهکار عمر کوتاهی خواهند داشت. در انجیل می خوانیم عیسی پس از مصلوب شدن دوباره زنده شد و خدا به او عمر جاوید و طولانی عطا نمود چرا که او در سراسر زندگی خود به فرامین الهی دل سپرده و در این راه مشقات بسیاری را متحمل گردید. این نکته در خطابه های پولس در اعمال رسولان آورده شده است:

«خدا قول داده بود که او را زنده کند و به او عمر جاوید دهد. این موضوع در کتاب آسمانی نوشته شده است که می فرماید: آن وعده عالی را که به داود

دادم، برای تو انجام خواهم داد.» اعمال

رسولان، ۱۳: ۳۴

براین اساس، عمر جاوید و زندگی طولانی پاداش کسانی است که در راه بسط پیام الهی سختی‌های بسیاری را متحمل شده اما عشق به خدا از دلشان دور نگردیده است.

باروری

باروری یکی از وقایع چهارگانه^۲ حیاتی است و از آنجا که در افزایش یا کاهش جمعیت به طور مستقیم تأثیر گذار است به عنوان مهمترین عامل حرکت زمانی جمعیت شناخته می‌شود. سابقه^۳ زاد و ولد انسانی به پیدایش اولین انسانها بر می‌گردد و از این رو سابقه ای طولانی به قدمت خود انسان دارد. این مفهوم در کتب آسمانی عهد عتیق و عهد جدید نیز به وفور مشاهده می‌شود و درباره آن قوانین و اصول ویژه ای بیان شده است.

باروری در عهد عتیق

اهمیت و ارزش باروری در تورات هم شامل مردان و هم زنان می‌شده و چنانچه مرد و زنی فاقد این توانایی بود، در جامعه با مشکلات بسیاری مواجه می‌شد. از داستانها و روایات تورات چنین بر می‌آید که باروری مهم ترین عامل ازدواج با زنان محسوب می‌شد. براین اساس، زنانی که توانایی باروری را داشته، عزیز و گرامی بودند و در عوض زنی که نازا بود جایگاه محکم و مستحکمی در خانواده نداشت.

از طرف دیگر، مردانی که نمی‌توانستند تولید مثل کنند با مشکلات بسیار رو در رو بودند. توانایی تولید مثل برای مردان آنقدر مهم بود که اگر مردی این قدرت را نداشت، نه تنها در خانواده برایش دردسرها فرین می‌شد بلکه در

مراسم مذهبی نیز با مشکل روبرو بود. در آیات عهد عتیق می خوانیم مردانی که توانایی تولید مثل ندارند نباید در «جماعت خداوند» حاضر شوند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که باروری در عهد عتیق یک مزیت و امتیاز محسوب شده و نازایی و انقطاع نسل به عنوان مشکلی اساسی برای افراد محسوب می شده است.

همچنین در تورات نازایی به عنوان لعن و نفرین نیز به کار برده شده است. در کتاب دوم سموئیل، می خوانیم حضرت داود به دلیل ظلم و جنایت های یوآب^۳ او را نفرین کرده و دعا می کند همیشه فرزندان عقیم باشند تا نسل یوآب از میان برود:

«فرزندان عقیم شوند و از گرسنگی بمیرند

یا با شمشیر کشته شوند.» دوم سموئیل، ۳: ۲۹

باروری و زایش در عهد عتیق به صور مختلف دیگر نیز وجود داشته که بدان اشاره می شود:

درد زایمان، مجازات الهی

آن طور که از آیات تورات بر می آید، درد زایمان مجازاتی برای حوا، به عنوان اولین زن بود که میوه^۴ درخت ممنوع را خورد. خدا پیش از آن به آدم گفته بود، نباید از میوه^۴ آن درخت بخورد:

خداوند آدم را در باغ عدن^۴ گذاشت تا در آن کار کند

و از آن نگهداری نماید. و به او گفت:

از همه^۴ میوه های درختان باغ بخور، بجز میوه^۴ درخت

شناخت نیک و بد، زیرا اگر از میوه^۴ آن بخوری، مطمئن

باش خواهی مُرد.» پیدایش، ۲: ۱۵ - ۱۷

اما مار که از همه حیواناتی که خداوند آفریده بود زیرک تر بود (پیدایش، ۳: ۱) نزد حوا آمده و او را متقاعد می کند تا از میوه درخت دانایی بخورد. حوا نیز چنین می کند و از آن میوه به شوهرش نیز می دهد.

«پس از میوه درخت چید و خورد و به شوهرش هم داد و او نیز خورد. آنگاه چشمان هر دو باز شد و از برهنگی خود آگاه شدند، پس با برگهای درخت انجیر پوششی برای خود درست کردند.» پیدایش، ۳: ۶-۷

نا فرمانی از امر خدا باعث خشم خدا گردید و برای مار و آدم و حوا مجازاتهایی تعیین کرد. براین اساس مجازاتی که خدا برای حوا مشخص می کند درد زایمان بود.^۵

«آنگاه خداوند به زن فرمود: درد زایمان تو را زیاد میکنم و تو با درد فرزند خواهی زائیدی. مشتاق شوهرت خواهی بود و او بر تو تسلط خواهد داشت.» پیدایش، ۳: ۱۶

از این آیات بر می آید که خداوند در آغاز قصد نداشته زایمان زن را با درد همراه سازد. اما به دلیل نافرمانی زن، او را مجازات نمود و یکی از سخت ترین دردها را با زایمان او همراه کرد.

ارزش و اهمیت باروری برای زنان

همان طور که پیش از این نیز اشاره شد، ادیان مختلف، رویکردی مثبت نسبت به افزایش جمعیت و باروری داشته اند. بنابراین می توان اینگونه ادعا نمود، زنی که می توانست برای شوهرش فرزندان بسیاری بیاورد از اهمیت و اعتبار بیشتری در نزد همسر و خانواده و قوم خود برخوردار بود. این نکته نیز به وفور در عهد عتیق وجود داشته و بدان اشاره شده است. نکته قابل ذکر آن است که ارزش و اعتبار باروری در

عهد عتیق با پدیدهٔ ترجیح جنسی گره خورده است. بدین معنا، زنی که می‌توانست فرزندِ پسر بدنیا آورد نسبت به زنی که فرزندِ دختر می‌زاید از احترام و ارجمندی بیشتری برخوردار می‌گردید.

داستان زنانِ یعقوب؛ باروری و ناباروری

در سفر پیدایش، داستان یعقوب و زنان او، لیه و راحیل، دختران لابان، روایت شده است. یعقوب راحیل را بیشتر دوست داشت اما خداوند لیه را مورد لطف قرار داد و او توانست برای یعقوب فرزند آورد.

«آنگاه لیه حامله شد و پسر زائید. او گفت:

خداوند مصیبت مرا دیده است و بعد از این

شوهرم مرا دوست خواهد داشت.»

پیدایش، ۲۹: ۳۲

از طرف دیگر راحیل نازا ماند و از اینکه نمی‌توانست برای شوهرش فرزندی آورد اندوهگین بود.

«راحیل چون دانست که نازاست، به خواهر

خود حسد برد. او به یعقوب گفت: به من

فرزندی بده. اگر نه خواهم مُرد. یعقوب

خشمگین شد و گفت: «مگر من خدا هستم

که به تو فرزند بدهم؟ اوست که تو را نازا

گردانیده است.» پیدایش، ۳۰: ۱

راحیل تا مدت‌ها نازا ماند و از طرف دیگر لیه، شش پسر و یک دختر برای یعقوب آورد و از این بابت به خود می‌بالید. سرانجام، خداوند دعای راحیل را اجابت نموده و فرزندِ او را عطا کرد. راحیل نام آن فرزند را «یوسف» گذاشت و از اینکه توانسته بود با زایمان خود ننگ نازایی را به دور اندازد و نزد همسر خود احترام رفته را باز یابد خوشحال بود.

احکام مربوط به زایمان و باروری

در عهد عتیق آداب و قوانین ویژه ای برای زنانی که زایمان می کردند ذکر شده که اجمالاً بدان اشاره می شود:

(۱) طهارت بعد از زایمان

مهمترین وظیفه شرعی پس از زایمان، طهارت بعد از آن بود. زنی که فرزند به دنیا می آورد باید بدن خود را تطهیر و پاک کند. با این همه، قوانین مربوط به طهارت به جنسیت فرزندی که به دنیا می آمد نیز ارتباط داشت.

براین اساس هر گاه زنی پسری به دنیا می آورد آن زن به مدت هفت روز، شرعاً نجس بود، و در روز هشتم نیز باید پسرش ختنه گردد. زنی که پسر می زاید باید مدت سی و سه روز به مقدّسات دست نزند و وارد عبادتگاه مقدّس نگردد تا کاملاً پاک و طاهر گردد. اما چنانچه زنی فرزند دختر به دنیا می آورد تا دو هفته شرعاً نجس بوده، باید به مدت شصت و شش روز به مقدّسات دست نزده و وارد عبادتگاه نیز نگردد تا کاملاً طاهر و پاک شود. (لاویان، ۱۲: ۵-۱۰)

(۲) قربانی

براساس آیات تورات چنانچه زنی بزاید، چه فرزند او دختر باشد و چه پسر، باید دو قربانی تقدیم کند. یک قربانی برای سوزاندن و یک قربانی برای بری شدن از گناهان. در باب ۱۲ کتاب لاویان اینگونه ذکر شده که مادر نوزاد باید یک برهٔ یک ساله برای سوزاندن و یک جوجه کبوتر یا یک قمری برای بخشایش گناهان قربانی کند. براساس این آیات اگر مادر، فقیر و کم درآمد بود می تواند به جای قربانی نمودن برهٔ، دو قمری یا دو جوجه کبوتر قربانی کند.

هدایایی که زن برای طاهر شدن خود بعد از زایمان قربانی می کند باید جلوی درب خیمه عبادت^۷ و نزد کاهن تقدیم شود.

باروری در سالخوردگی

اگرچه جوانی و تندرستی عامل مهمی برای باروری به حساب می آید، با این همه در آیات عهد عتیق آمده پرهیزگاری و خدا دوستی می تواند عامل مهمی برای باروری باشد حتی اگر زن و مرد سالخورده و پیر باشند.

در کتاب دوم پادشاهان دعای الیشع نبی برای زنی که او را بسیار محترم می شمرد ذکر شده است. الیشع نبی وقتی متوجه می شود زنی که به او احترام فراوان می گذارد و در منزل، او را سکنی می دهد فرزندی ندارد، موضوع را جویا می شود و سرانجام در می یابد آن زن شوهر سالمندی دارد که توانایی تولید مثل ندارد. از این رو برای آن زن دعا می کند و به او می گوید که به زودی صاحب فرزندی خواهی شد.

**«الیشع به او گفت: سال دیگر همین وقت
صاحب پسری خواهی شد. زن گفت: ای
سرور من، ای مرد خدا، این حقیقت ندارد.
اما بعد از چندی آن زن طبق اعلام الیشع
آبستن شد و پسری به دنیا آورد.» دوم
پادشاهان ، ۴: ۱۵ - ۱۷**

از دیگر نمونه هایی که باروری در سن بالا در آن به چشم می خورد حامله شدن ساره (سارا)، زن حضرت ابراهیم پس از سالها نازایی است. در تورات این داستان این گونه روایت شده است: ساره چون بچه دار نمی شد کنیز مصری خود، هاجر را به ابراهیم داد تا با ابراهیم همبستر شده و فرزندی بیاورد. در این زمان ابراهیم ۸۶ ساله بود^۱. پس از این ماجرا و به دنیا آمدن اسماعیل بین دو زن اختلاف در گرفت و ساره تا مدت ها ننگ و رنج بی فرزندی را تحمل کرد. اما زمانی که ابراهیم صد ساله شد و ساره نود ساله، خداوند اراده نمود به آن دو فرزندی عطا کند.

«من او [ساره] را برکت خواهم داد و از
وی به تو پسری خواهم بخشید. بلی او را
برکت خواهم داد و از او قوم ها به وجود
خواهم آورد. از میان فرزندان تو، پادشاهان
خواهند برخاست.» پیدایش، ۷: ۱۵ - ۱۶

پس از این پیام خداوند، ابراهیم و ساره بسیار تعجب می کنند، چرا که آنها در
جوانی نتوانسته بودند صاحب فرزند باشند و حال که به سن پیری رسیده اند چگونه
می توانستند فرزندی داشته باشند؟ با وجود این خداوند به آنها اطمینان می دهد که
آن دو صاحب فرزندی خواهند شد و نام او را اسحاق^۹ خواهند گذارد.

«مگر کاری هست که برای خداوند مشکل
باشد! همانطوری که به تو گفتم سال بعد در
چنین زمانی نزد تو خواهم آمد و ساره
پسری خواهد زائید.» پیدایش، ۱۸: ۱۴

باروری در عهد جدید

در عهد جدید نیز مفهوم باروری و زایش نمود فراوان داشته و بدان اشارات
زیادی شده است. اما از این نکته نیز نباید گذشت که مفهوم باروری در انجیل،
بیشتر با روایات و داستانهایی از پیامبران همراه گشته و مواردی که برای این
مفهوم قانون یا رسم و آداب ویژه ای در نظر گرفته باشد موجود نیست.

حامله شدن دختر باکره

جدی ترین اشاره^{۱۰} عهد جدید به مفهوم باروری، حامله شدن دختری باکره
بدون همبستر شدن با مرد است. به این ترتیب که نطفه^{۱۱} فرزند وی به امر و اراده^{۱۲}
خداوند انعقاد می یابد.

نطفه عیسی مسیح این گونه به وجود آمد.^{۱۰} در عهد جدید می خوانیم که حضرت مریم از روح القدس آستن شد. نامزد او، یوسف، که پایبند اصول اخلاقی بود قصد داشت پیوند نامزدی خود را با مریم به هم بزند اما در خواب فرشته ای بر او ظاهر شد و گفت کودکی که در رحم مریم قرار دارد از روح القدس است و یوسف نباید نگران باشد و کودکی که از مریم متولد می شود همان منجی و همان کسی است که سالها قبل اشعیای نبی در عهد عتیق تولد او را از دختر باکره بشارت می داد.

داستان باکره بودن مریم و ولادت عیسی در انجیل لوقا نیز ذکر شده است. در این انجیل آمده است فرشته ای بر مریم ظاهر شده و به او می گوید که به زودی باردار می شود و پسری به دنیا خواهد آورد که نامش عیسی خواهد بود^{۱۱}:

«مریم از فرشته پرسید: اما چگونه چنین چیزی امکان دارد؟ دست هیچ مردی هرگز به من نرسیده است. فرشته جواب داد: روح القدس بر تو نازل خواهد شد و قدرت خدا بر تو سایه خواهد افکند. از این رو آن نوزاد مقدس بوده، فرزند خدا خوانده خواهد شد.» لوقا، ۱: ۳۴ - ۳۵

باروری و پیری

پیش از این به نمونه های باروری در سن سالخوردگی در کتاب تورات اشاره گردید. لازم به ذکر است که در انجیل نیز، می توان به نمونه هایی از باروری و ولادت در سنین پیری و کهنسالی اشاره نمود.

در کتاب عبرانیان از عهد جدید به داستان ایمان ابراهیم و همسرش نیز اشاره شده است. براین اساس ابراهیم و ساره به دلیل پرهیزکاری و تقوا، قدرت باروری پیدا کردند و اسحاق متولد شد^{۱۲}:

«همسر او سارا نیز به خدا ایمان داشت و بدلیل همین ایمان، قدرت یافت تا باردار شود، گر چه بسیار سالخورده بود، زیرا او پی برده بود که خدا قادر است و به وعده ای که به او داده، وفا می کند. بنابراین، از ابراهیم، یعنی از کسی که قادر به تولید مثل نبود، نسل هایی به وجود آمد که همچون ستارگان آسمان و شن های کنار دریا، بی شمارند.» عبرانیان، ۱۱: ۱۱-۱۲

چنانچه از این آیات بر می آید ایمان و تقوای ابراهیم و ساره بود که باعث شد آن دو در سن سالخوردگی صاحب فرزند شوند. همچنین در این آیات به قدرت و توان خداوند پی می بریم که می تواند به کسانی که توانایی تولید مثل ندارند، فرزند عطا کند. این داستان در کتاب رومیان نیز ذکر شده است.

«بنابراین، زمانی که خدا به ابراهیم فرمود که به او پسری خواهد بخشید و از نسل او اقوام بسیاری به وجود خواهند آمد، ابراهیم به وعده خدا ایمان آورد، اگر چه چنین امری عملاً محال بود. زیرا در آن زمان ابراهیم صد سال داشت و همسرش سارا نود سال و هیچ یک قادر نبودند صاحب فرزند شوند. با وجود این، چون ایمان ابراهیم قوی بود، به وعده خدا شک نکرد. بلی او هیچگاه شک ننمود. او به خدا ایمان داشت و ایمانش روز به روز قوی تر می شد و حتی قبل از اینکه خدا به وعده های خود عمل

**کند. به خاطر همین ایمان، خدا او را بخشید
و بی گناه به شمار آورد.» رومیان، ۴: ۱۸ - ۲۲**

تولد یحیی

نمونه دیگری که ولادت فرزند را در سن پیری و کهنسالی نشان می دهد تولد یحیی نبی است. در انجیل داستان زکریا، کاهن یهودی که در زمان هیروودیس، پادشاه یهودیه زندگی می کرد نقل شده است. زکریا به دلیل نداشتن فرزند و شنیدن سخنان تمسخر آمیز ناراحت و اندوهگین بود. چرا که همیشه مورد تمسخر و کنایه سایر کاهنان بود.

روزی به هنگام دعا خواندن جبرائیل بر او ظاهر شده و مژده تولد پسری را به او داد. فرشته به او گفت: همسرت، الیزابت بزودی برای تو پسری به دنیا می آورد و نامش را یحیی خواهی گذارد. او کسی است که قبل از ظهور منجی (عیسی) خواهد آمد تا مردم را برای ظهور او آماده سازد.

زکریا از این سخن بسیار تعجب کرد چرا که در آن زمان او و همسرش بسیار سالخورده بودند. به خاطر شک زکریا، خداوند قدرت تکلم او را تا زمان به دنیا آمدن یحیی گرفت و او دیگر نمی توانست در این باره سخنی به میان آورد. ادامه داستان در انجیل چنین ذکر شده است:

«طولی نکشید که همسرش الیزابت باردار شد. او برای مدت پنج ماه گوشه نشینی اختیار کرد و می گفت: سرانجام خداوند به من نظر لطف انداخت و کاری کرد که دیگر در میان مردم شرمگین نباشم.» لوقا، ۱: ۴ - ۲۵

نتیجه گیری

در این پژوهش به مفاهیم افزایش و ازدیاد جمعیت و باروری و ناباروری که از مقوله های مهم علم جمعیت محسوب می شوند پرداخته شد و در این میان، نظرات و دیدگاههایی که نسبت به هر یک در کتابهای آسمانی عهد عتیق و عهد جدید وجود داشت بررسی گردید.

افزایش جمعیت از مفاهیم مهم جمعیتی است که در این دو کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. باید توجه داشت که تعداد جمعیت طرفدار یک اندیشه یا دین در ماندگاری یا عدم ماندگاری آن اندیشه یا دین تأثیرگذار بوده است. از همین رو عهد عتیق و عهد جدید نسبت به این موضوع توجه نشان داده اند.

در عهد عتیق خداوند بارها به بندگان برگزیده خود می گوید بارور و زیاد شوند و زمین را پر سازند. این کتاب بر آن تاکید دارد که پاداش خداوند به انسانهای نیکوکار، آن است که نسلشان را دوام دهد و بر تعداد و در نهایت قدرت آنها بیفزاید. در مقابل، از گناهکاران نسلی به جا نخواهد ماند، روز به روز از تعدادشان کاسته خواهد شد و بعد از مرگ نامی از آنها نخواهد بود.

در عهد جدید مواردی از پیام خداوند مبنی بر اینکه زیاد شوید و زمین را پر سازید به چشم نمی خورد. علت آن شاید عدم توجه عیسی و یارانش به پدیده ازدواج و افزایش نسل بوده است.

در انجیل به این نکته اشاره شده که همه چیز به اراده خداوند وابسته است و گاهی اندیشه و نظر جمعیتی اندک بر اندیشه جمعیتی کثیر برتری می یابد. با وجود این خداوند در این کتاب به افزایش عمر انسانهای برگزیده اش اشاره دارد. این نکته نیز می تواند در افزایش جمعیت تأثیرگذار باشد. براساس آیات عهد جدید، پاداشی که خداوند بر انسانهای خاص خود عطا می دارد همانا افزایش عمر است.

باروری مهمترین عامل افزایش جمعیت است. این مفهوم آنقدر برای جمعیت شناسان حائز اهمیت است که بسیاری از متدها و روش های سیاست های جمعیتی بر اساس کنترل - افزایش یا کاهش - زاد و ولد استوار است.

با این وجود، این مفهوم نیز در دو کتاب تورات و انجیل نمود فراوان داشته و بدان به کرات اشاره شده است. در عهد عتیق می خوانیم چنانچه مرد یا زنی توانایی تولید مثل را نداشت مورد نکوهش بسیار قرار گرفته و از بسیاری از حقوق محروم می شد. این نکته برای زنان از اهمیت بیشتری برخوردار بود، چرا که، زنی که می توانست برای همسرش فرزندان بسیار بیاورد مورد توجه و احترام شوهر بود و چنانچه زنی این قدرت و توانایی را نداشت جایگاه و اعتبار خود را در خانه و جامعه از دست می داد. در این کتاب همچنین قوانینی برای زنانی که وضع حمل می کردند آورده شده که بدان اشاره شده است.

همچنین به عزم و اراده خداوند به پدیده زایمان توجه شده است. چرا که بر اساس اراده خدا اگر زنی و مردی در سنین کهنسالی و پیری بودند می توانستند صاحب فرزند شوند. در تورات داستان ابراهیم و همسرش شاهدی بر این مدعاست. در عهد جدید نیز به این داستان اشاره شده است. خدا به خاطر ایمان ساره، همسر ابراهیم، که سالها نازا بود توانایی زایمان را به او عطا نموده و او در سن نود سالگی از شوهر صد ساله اش باردار شد.

نمونه ای دیگر از این دست که در عهد جدید به آن اشاره شده تولد یحیی نبی است. زکریا کاهنی که به دلیل نداشتن فرزند مورد تمسخر دیگران بود از فرشته ای که بر او ظاهر شد شنید که به زودی صاحب فرزند خواهد شد.

مورد دیگری که در عهد جدید در ارتباط با موضوع باروری آمده است به دنیا آمدن فرزند از دختر باکره است. بر اساس آیات انجیل به امر و اراده خداوند نطفه فرزند که قرار است منجی بشریت باشد در رحم دختر باکره بسته و او آبستن می شود. این امر تعجب یوسف، نامزد مریم و دیگران را بر می انگیزد، اما هدف از

این کار و روایت آن در انجیل نشان دادن قدرت و توانایی خالق هستی است که می تواند دختری را که مردی او را لمس نکرده است بارور نماید.

اشارات

- ۱- یعقوب یعنی کسی که پاشنه می گیرد، یا در اصطلاح حبله گر، اما اسرائیل یعنی کسی که نزد خدا مقاوم است .
- ۲- وقایع چهارگانه حیاتی عبارتند از: باروری (ولادت)، مرگ ، ازدواج و طلاق .
- ۳- یوآب فرزندِ خواهر داود و سرلشکر سپاه او بود که مرتکب قتل ها و جنایات بسیار شد. پس از آنکه سلیمان به پادشاهی رسید یوآب را به دلیل قتل های بسیاری که انجام داده بود مجازات نموده و امر به قتل وی داد.
- ۴- «در کتاب پیدایش (۲: ۸) اینطور آمده است «و خداوند خدا، باغی در عدن به طرف مشرق غرس نمود» ؛ ولی به اندازه و به مرزهای این باغ هیچ اشاره ای نشده است. خدا اولین انسان یعنی آدم را در آنجا گذاشت تا از باغ محافظت نماید. درختان بسیاری در این باغ وجود داشت از جمله، درخت حیات در وسط باغ و درخت معرفت نیک و بد (پیدایش، ۲: ۹). خدا آدم را از خوردن میوه درخت معرفت نیک و بد بر حذر ساخته بود (پیدایش، ۲: ۱۷). واژه عدن که از نظر جغرافیایی به فضایی بسته اطلاق می شود واژه ای سومری و از ریشه edin به معنی «دشت» یا «سرزمین جلگه ای» گرفته شده است... [عدن] احتمالاً در بابل واقع بوده است. واژه عدن (Edin) در کتب سومری مربوط به چمن زارهایی است که به عنوان مراتع از آنها استفاده می شده است. ادبیات سومری شامل افسانه ای به نام «انکی» (Enki) و «نینورساگ» (Ninhursag) است. این افسانه در منطقه ای بنام «دیلمون» (Dilmun) در خلیج فارس اتفاق افتاده است. بهشت دیلمون منطقه ای زیبا، نورانی و بدون وجود بیماری، پیری و مرگ بوده، اما آب منطقه آن محدود و کم بوده است. انکی (Enki) از خدای خورشید می خواهد که آب تازه به دیلمون بفرستد. [مقایسه کنید با] (پیدایش، ۲: ۵-۶).

الهه ای از دنده «انکی» خلق می شود (حوا). وقتی انکی از گیاهان ممنوع می خورد، «نینورساگ» (Ninhursag) وی را لعنت می کند. به همین دلیل بعضی معتقدند که ماجرای آدم و حوا یک افسانه است که ریشه سومری دارد. (محمدیان، ۱۳۸۱، ص ۸۰۶).

۵- خداوند مار و آدم را نیز مجازات نمود. براساس آیات عهد عتیق خدا به مار می فرماید: به سبب انجام این کار، از تمام حیوانات وحشی و اهلی زمین ملعون تر خواهی بود؛ تا زنده ای روی شکمت خواهی خزید و خاک خواهی خورد. (پیدایش، ۳: ۱۵-۱۴) مجازات آدم نیز این بود: تا آخر عمر به عرق پیشانی ات نان خواهی خورد و سرانجام به همان خاکی باز خواهی گشت که از آن گرفته شده ای زیرا تو از خاک سرشته شدی و به خاک هم بر خواهی گشت (پیدایش، ۳: ۱۹) بنابراین، خدا آدم و حوا را نیز از باغ عدن رانده و به خاک - زمین - فرستاد.

۶- Laban: پسر بتوئیل و نوه ناحور - برادر ابراهیم - که دو دختر بنام های لیه و راحیل داشت.

۷- خیمه ای که بنی اسرائیل در زمان توقف خود از مصر به سرزمین کنعان بنا می نمود و در آنجا به انجام مراسم مذهبی می پرداخت. در این خیمه صندوق عهد که شامل لوح ده فرمان بود نگهداری می شد. پس از تصرف شهر اورشلیم بوسیله بنی اسرائیل و فراری دادن مردم ساکن آنجا، پادشاهان بنی اسرائیل خیمه عبادت را در آنجا بنا نمودند. اما پس از چندی تصمیم گرفتند در مکانی که خیمه عبادت بر پا می گردید بنای باشکوهی برپا نمایند. این بنا در زمان پادشاهی سلیمان انجام پذیرفت که به خانه عبادت و یا معبد سلیمان مشهور گردید.

۸- ابراهیم (Abraham) به معنی پدر عالی، در سال ۲۱۶۱ قبل از میلاد متولد گردید و ۱۷۵ سال زندگی کرد.

۹- اسحاق به معنی خنده است.

۱۰- «درواقع احتمال زیاد دارد که مسیح چهار سال پیش از تاریخی که رسماً تصور می شود، متولد شده باشد.» (نهر، ۱۳۷۲، ص ۸۲).

۱۱- عیسی به معنی نجات دهنده است.

۱۲- پیش از این نیز در تورات به ایمان ابراهیم و ساره و پاداش خداوند به آن دو اشاره گردید. تولد اسحاق حدود سالهای ۲۰۶۱ قبل از میلاد تخمین زده می شود یعنی زمانی که ابراهیم صد ساله و ساره نود ساله بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی

- ۱) اشتاین سالتز، آدین، (۱۳۸۳)، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، تهران .
- ۲) ترجمه تفسیری کتاب مقدس، (۱۹۹۵ م)، انجمن بین المللی کتاب مقدس، انگلستان .
- ۳) توفیقی، حسین، (۱۳۸۳)، آشنایی با ادیان بزرگ، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ ششم، تهران .
- ۴) خاچیکی، سارو، (۱۳۵۱)، کشف الآیات یا آیه یاب کتاب مقدس، انتشارات آفتاب عدالت، تهران .
- ۵) شیخی، محمد تقی، (۱۳۸۰)، مبانی و مفاهیم جمعیت شناسی، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران .
- ۶) کتابی، احمد، (۱۳۷۷)، در آمدی بر اندیشه و نظریه های جمعیت شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم، تهران .
- ۷) کیانی، رضا، (۱۳۸۵)، « جمعیت شناسی دینی »، روزنامه راه مردم، سال سوم، شماره ۴۴۳، مرداد ۱۳۸۵، صفحه ۱۱ .
- ۸) کیانی، رضا، (۱۳۸۶)، « مفاهیم جمعیت شناختی در متون دینی »، جلد اول، اصفهان: انتشارات کنکاش .
- ۹) کیانی، رضا، (۱۳۸۶)، « مفاهیم جمعیت شناختی در متون دینی »، جلد دوم، اصفهان: انتشارات کنکاش .
- ۱۰) محمدیان، بهرام و دیگران، (۱۳۸۱)، دایره المعارف کتاب مقدس، انتشارات روز نو، چاپ اول، تهران .
- ۱۱) نهرو، جواهر لعل، (۱۳۷۲)، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، انتشارات امیر کبیر، چاپ نهم، تهران .
- ۱۲) ویلسون، برایان، (۱۳۸۱)، دین مسیح، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، چاپ اول، تهران .
- ۱۳) هاکس، جیمز، (۱۳۸۳)، قاموس کتاب مقدس، انتشارات اساطیر، چاپ دوم، تهران .

منابع انگلیسی

- 14) Christenson , Larry. (1970). *The Christian Family* . United States of America : Published by Bethany Fellowship.
- 15) Daugherty, Billy Joe . (1991). *Building Stronger Marriages and Families* . United States of America : Published by Harrison House .
- 16) Norman Wright , H . (1974) . *Communication : Key To Your Marriage* United States of America : Published by Regal Books .
- 17) *The NIV (New International Version Study Bible)* . (1985) . United States of America : Published by The Zondervan Corporation



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی